

أبعاد واستراتيجيات تمكين الوالدين في تربية الولد؛ تحليل في ضوء التعاليم الوحيانية^١

سيد إبراهيم فاطمي نسب^٢

الملخص

تُعَدُّ الأسرة أول وأهمّ محيطٍ لنموّ الطفل وتطوّره، ويلعب الوالدان دوراً أساسياً في تشكيل شخصيّة الطفل ومستقبله. في الظروف الراهنة، ونظراً لتغيّر أنماط الحياة وتزايد التحديات التربوية، لم يعد الاعتماد المجرّد على الخبرات السابقة كافياً في تربية الطفل، وأصبحت الحاجة إلى تطوير وعى الوالدين ومهاراتهم التربوية أكثر إلحاحاً من أي وقت مضى. تعتمد هذه المقالة على آيات القرآن الكريم وأحاديث المعصومين عليهم السلام لتدرس مختلف أبعاد تمكين الوالدين، وتحلّل مظاهره العملية في مراحل نموّ الطفل المختلفة. في البداية، يتمّ توضيح مفهوم تمكين الوالدين وضرورته، ثمّ بناءً على نموذج دورات السنوات السبع الثلاث، تُفسّر خصائص كلّ مرحلة واحتياجاتها التربوية، إلى جانب واجبات الوالدين في كلّ دورة. في الأقسام اللاحقة، يتمّ التطرّق إلى مجالات مثل: الصّحة العاطفية والنفسية، النموّ المعرفي، التغذية والصّحة الجسدية، الهوية الدينية والأخلاقية والاجتماعية، والهوية الجنسية. وأخيراً، تمّ تقديم مجموعة من الاستراتيجيات التطبيقية، منها: الحبّ المتوازن، مراعاة العدالة، إسناد المسؤولية، المراقبة، التشجيع والعقاب الهادف، وتكريم شخصيّة الطفل. تهدف هذه الدراسة إلى تعزيز وعى الوالدين لإيجاد أجواء هادئة، سليمة، ومُثمّية في الأسرة، وتربية جيل متوازن ومسؤول.

المفردات الأساسية: تمكين الوالدين، تربية الطفل، مراحل نموّ الطفل، التربية الإسلامية، الهوية الدينية والأخلاقية، الصّحة العاطفية، الأسرة.



ابعاد و راهبردهای توانمندسازی والدین در تربیت فرزند تحلیلی بر آموزه‌های وحیانی^۱

سید ابراهیم فاطمی نسب^۲

چکیده

خانواده نخستین و مهم‌ترین محیط رشد و پرورش کودک به شمار می‌آید و والدین نقشی اساسی در شکل‌گیری شخصیت و آینده فرزند ایفا می‌کنند. در شرایط کنونی، با دگرگونی سبک زندگی و گسترش چالش‌های تربیتی، اتکای صرف به تجربه‌های گذشته برای تربیت فرزند کافی به نظر نمی‌رسد و نیاز به ارتقای آگاهی و مهارت‌های والدگری بیش از پیش احساس می‌شود. این مقاله با استناد به آیات قرآن کریم و سخنان معصومان علیهم‌السلام، ابعاد گوناگون توانمندسازی والدین را بررسی و جلوه‌های عملی آن را در مراحل مختلف رشد کودک تحلیل می‌کند. در ابتدا، مفهوم و ضرورت توانمندسازی والدین تبیین شده و سپس، بر پایه الگوی سه دوره هفت‌ساله، ویژگی‌ها و نیازهای تربیتی هر مرحله و وظایف والدین در هر دوره تفسیر می‌شود. در بخش‌های بعدی، حوزه‌هایی چون سلامت عاطفی و روانی، رشد شناختی، تغذیه و سلامت جسمی، هویت دینی، اخلاقی، اجتماعی و هویت جنسی مورد توجه قرار گرفته و در پایان، مجموعه‌ای از راهکارهای کاربردی مانند محبت متعادل، رعایت عدالت، واگذاری مسئولیت، مراقبت، تشویق و تنبیه هدفمند و تکریم شخصیت فرزند ارائه شده است. هدف نوشتار، تقویت آگاهی والدین برای ایجاد فضایی آرام، سالم و رشددهنده در خانواده و پرورش نسلی متعادل و مسئولیت‌پذیر است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی والدین، تربیت فرزند، مراحل رشد کودک، تربیت اسلامی، هویت دینی و اخلاقی، سلامت عاطفی، خانواده.



مقدمه

در جوامع انسانی، خانواده به گروهی از افراد گفته می‌شود که با یکدیگر از طریق همخونی، تمایل سببی، یا مکان زندگی مشترک وابستگی دارند. خانواده در بیشتر جوامع، نهاد اصلی جامعه‌پذیری کودکان است. از حساسترین و مهمترین جایگاه‌های آرامش و رشد، خانواده است که در اولین قدم با والدین ساخته می‌شود و با فرزندان و نوه‌ها تکمیل می‌گردد. پدر و مادر نخستین بازیگرانی هستند که نقش صیانت، رشد، ایجاد آرامش، خلاقیت، نوسازی و آینده‌سازی را در آن بر عهده دارند. عده‌ای به خوبی از ایفای نقش برمی‌آیند و بعضی هم‌روند سقوط را به عناوین مختلف طی می‌کنند.

در جامعه امروز، با توجه به حجم زیاد اطلاعاتی که در دسترس است، داشتن فرزندان سالم از نظر جسمی و روحی بسیار مشکل‌تر از نسل‌های قبل به نظر می‌رسد. والدین امروز، از یک سو با نسلی روبرو هستند که به مراتب از آنان باهوش‌تر است و با توجه به سنشان به اطلاعات بیشتری دسترسی دارند و از سوی دیگر به راحتی ارزش‌های نسل قبل خود را قبول نمی‌کنند. در این تنگنا تربیت فرزند کاری بس دشوار می‌نماید و دیگر نمی‌توان با تکیه بر تجربه اطرافیان و پدربزرگ و مادر بزرگ‌ها کودکان را تربیت کرد. امروزه فرزندپروری علمی است که بر پایه تحقیقات مستدل بنا شده و هر پدر و مادری باید به فراخور ظرفیتش آن را بیاموزد تا بتواند از این تنگنا به سلامت بگذرد.

والدین ما در نسل قدیم عمدتاً دانشی در مورد تربیت فرزند نداشتند و ما نیز با این شرایط در پیشگاه فرزندانمان ایستاده‌ایم، ولی اکنون زمان قربانی‌گری نیست و با توجه به همگانی شدن دانش فرزندپروری، همگی مسئولیم که آن را بیاموزیم و این زنجیره قربانی را قطع کنیم تا فرزندان ما بتوانند فرزندان خود را درست تربیت کنند.

قرآن کریم با اشاره به زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام و ارتباط منطقی او با فرزندش، الگویی ارزشمند در اختیار والدین می‌نهد. آن حضرت پس از دیدن خوابی که در آن مأمور به قربانی کردن فرزندش می‌شود، به جای سخت‌گیری یا سهل‌انگاری، با فرزند خود به گفت‌وگو می‌نشیند و موضوع را متناسب با شرایط روحی او بازگو می‌کند؛ نه به صورت امر و نهی، بلکه با واگذاری نظر نهایی به فرزند. در این داستان قرآنی، اسماعیل نیز که همواره والدین خود را



مطیع فرمان الهی دیده، با آرامش و اطمینان، پدر را به اجرای فرمان خدا تشویق می‌کند و از صبر خود سخن می‌گوید (صافات، ۱۰۲). این روایت، نمونه‌ای ناب از ارتباط مبتنی بر اعتماد و مشارکت میان والدین و فرزندان است.

در مقابل، قرآن از الگویی ناموفق نیز یاد می‌کند؛ آنجا که حضرت نوح علیه السلام در میان طوفان، فرزند خود را از دور صدا می‌زند و او را به همراهی با خود فرا می‌خواند. اما این ندا که از سر مهر پدری است، به دلیل نبود ارتباط پیشین و اعتماد شکل گرفته، بی نتیجه می‌ماند (هود، ۴۲). این دو الگوی متضاد قرآنی نشان می‌دهد که والدین برای عبور از بحران‌های تربیتی و برقراری ارتباطی سالم و مؤثر با فرزندان خود، نیازمند توانمندسازی هستند. در این نوشتار می‌کوشیم تا با تکیه بر آیات و روایات، نخست مفهوم و ضرورت توانمندسازی والدین را تبیین کنیم، سپس ابعاد گوناگون آن را بررسی نماییم و در نهایت راهبردهای عملی تعامل والدین با فرزندان را ارائه دهیم.

۱. مفهوم و ضرورت توانمندسازی

واژه توانمندسازی در کاربردهای گوناگون به معنای «دادن قدرت یا اختیار یا آزادی عمل به شخصی برای انجام کاری» به کار رفته است (وبگاه واژه‌یاب). توانمندسازی در دنیای امروز بسیار ضروری است و خانواده باید اولین کانونی باشد که از این حیث به آن توجه می‌شود. اگرچه بیشتر نویسندگان بر توانمندسازی کارکنان تمرکز کرده‌اند، اما خانواده‌ها اعم از والدین و فرزندان باید در فرآیند توانمندسازی قرار گیرند، زیرا هر دو گروه مهمترین و اصلی‌ترین نقش را در سازمان بنیادی خانواده دارند.

توانمندسازی والدین تکنیکی ثوین و مؤثر در جهت ارتقای بهره‌وری خانواده‌هاست؛ به این معنا که هرچه پدر و مادر در ارتباط، احترام و رفتار با فرزندانشان آگاه‌تر و توانمندتر باشند، تعامل فرزندان با جامعه، خانواده و حتی با خودشان بیشتر و بهتر خواهد بود. نباید فراموش کرد که توانمندسازی به تغییر نگرش، برخورد و رفتار والدین منجر می‌شود و این تغییرها بستری مناسب برای بهبود وضعیت خانواده‌ها فراهم می‌آورد. هنگامی که دیدگاه والدین نسبت به شرایط و رفتار فرزندانشان تغییر می‌کند و آگاهی بیشتری پیدا می‌کنند، رفتار خود را نیز متناسب با آن تغییر می‌دهند. در مقابل، فرزندان که رفتار آرام، متین، قاطع و جدی والدین را



مشاهده می‌کنند، به تغییر خود تشویق می‌شوند؛ زیرا درمی‌یابند که پیامد عدم تغییر رفتار، متوجه خودشان خواهد بود.

در این زمینه، برخی روان‌شناسان مدلی از والدگری اسلامی در مورد ایفای تدریجی مسئولیت‌های والدین در زمینه مراقبت و هدایت نوجوان طراحی کرده‌اند و با ارائه شرایط میانجی و راهبردی، به پیامدهای مطلوبی همچون تحقق رابطه مطلوب، شکل‌گیری هویت سالم و تأمین رضایت از زندگی دست یافته‌اند (ساطوریان، ۱۳۹۹ش، سرتاسر).

۲. اصل بنیادین تربیت: تدریج و دوره‌های سنی سه‌گانه

منظور از تربیت تدریجی، هماهنگی روند تربیت با رشد تدریجی فرزندان است. بنابراین، والدین در تربیت و نگهداری فرزندان باید به تدریجی بودن ویژگی‌ها و توانمندی‌های آنها توجه داشته باشند؛ زیرا شخصیت انسان کم‌کم ساخته می‌شود و گفتار و رفتار به تدریج در او اثر می‌گذارد. از این رو، توجه به اصل تدریجی و همیشگی بودن در امر تربیت و پرورش، مهم و ضروری است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «فرزند، هفت سال آقااست، هفت سال خدمتکار و هفت سال وزیر است. اگر در ۲۱ سالگی از تربیت او راضی بودی که خوب؛ وگرنه به پهلویش بزن تا دنبال کار خودش برود که نزد خداوند معذوری» (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۲۲). بر اساس این فرموده، می‌توان دوران رشد انسان را تا ۲۱ سالگی به سه مرحله سیادت، اطاعت و وزارت تقسیم کرد.

امام صادق علیه السلام در بیان نورانی دیگری، اصول کلی تربیت و وظایف والدین را بر اساس این سه دوره مشخص فرمودند: «بگذار پسر هفت سال بازی کند، هفت سال تأدیب شود و هفت سال نیز با خودت همراهش کن، اگر رستگار شد چه بهتر وگرنه خیری در او نخواهد بود» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱، ص ۴۷۵).

۲.۱. هفت سال اول: خصوصیات و بایستگی‌ها

فرزند در هفت سال اول زندگی، ذهنی نارسا و جسمی ناتوان دارد. از این رو، پدر و مادر باید با رأفت و عطوفت به او بنگرند و به نیازهایش پاسخ مثبت دهند. او در این دوره آقااست،



باید آزاد باشد، فرمان دهد و بازی کند و نباید مقید یا محدود شود. حساسیت و لطافت روح کودک چنان است که به محض برخورد با کوچکترین مشکلی می‌تواند آسیب‌پذیر گردد. این دوران، مهمترین سال‌های شکل‌گیری شخصیت اوست و والدین باید در حفاظت، مراقبت و برخورد با او نهایت دقت را به کار گیرند.

نخستین ویژگی این دوره، لطافت و حساسیت فوق‌العاده روحیه کودک است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند فرزندت در هفت سال اول، برگ خوشبویی بر ساقه درخت وجود توست (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۴۳). از این تعبیر لطیف چنین برمی‌آید که کودک در این سال‌ها نه تنها موجودی باارزش، بلکه نرم و شکننده است و هرگونه برخورد خشن می‌تواند او را پژمرده سازد. یافته‌های روانشناسی نیز تأیید می‌کند که جدی‌ترین کار کودک در این دوره، بازی است و تحمیل برنامه‌های سنگین تعلیم و تربیت بر دوش ناتوان او، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد. از این رو، خانواده بهترین مکان برای پرورش کودک است، چرا که هیچ‌کس نمی‌تواند جای محیط پرمهر و امن خانواده را بگیرد. در این دوران، تشویق باید بر تنبیه مقدم باشد و تنبیه بدنی به ویژه، روشی بسیار نادرست است؛ کودکانی که در این سن زیاد تنبیه می‌شوند، در آینده مشکلات رفتاری بیشتری پیدا می‌کنند.

دومین ویژگی، دوران جست‌وخیز و بازی‌های اخلاقانه است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند فرزندت را تا هفت سالگی آزاد بگذار تا بازی کند (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱، ص ۴۷۵). از دیدگاه اهلبیت علیهم السلام، بازی از چند جهت نقشی مؤثر و فوق‌العاده در تربیت دارد. بی‌توجهی به این نیاز طبیعی، خسارت‌های روحی و روانی بسیاری به بار می‌آورد، در حالی که توجه به بازی کودک، بسیاری از مشکلات عاطفی او را حل می‌کند. بازی وسیله‌ای برای رشد همه‌جانبه و هماهنگ کودک است، بر رشد زبان و سپس بر شناخت و ذهن او تأثیر می‌گذارد و حواس پنج‌گانه را هماهنگ می‌سازد. کودک در بازی خود، تمام ضعف‌ها و قوت‌ها، ترس‌ها و بینش‌هایش را بروز می‌دهد. سیره معصومان علیهم السلام نشان می‌دهد که آنان به جنبه‌های آموزشی بازی چون افزایش دقت و تمرکز نیز توجه داشتند. حضرت فاطمه علیها السلام از همان دوران کودکی با فرزندانش همبازی می‌شد و در قالب بازی، مفاهیم عمیق دینی و اخلاقی را به آنان منتقل می‌کرد. نقل شده است که با امام حسن علیه السلام بازی می‌کرد و می‌فرمود پسر من مانند پدرت باش،



ریسمان ظلم را از حق برکن و با ستمگران دوستی مکن (نمازی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۷۳). همچنین وقتی امام حسین علیه السلام را بازی می داد، می فرمود تو به جدم پیامبر شبیهی نه به پدرت علی (همان). بازی مادر با فرزند، رشد جسمی و فکری او را سرعت می بخشد و نشاط، خلاقیت و اعتماد به نفس را در او ایجاد می کند.

سومین ویژگی، دوران امر و نهی به والدین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید فرزندان ما جگرگوشه های ما هستند و خردسالان نشان فرمانروایان ما هستند (شعیری، بی تا، ص ۱۰۵). کودکان در این سن، فرمانده اند؛ نه بدین معنا که هر فرمانی بدهند باید اطاعت کرد، بلکه از آن رو که هنوز عقل عملی آنان به بلوغ نرسیده و رفتار والدین را تقلید می کنند. اگر والدین در این دوره با محبت و مدارا فرمانبردار کودک باشند، تأثیر و نفوذ کلام آنان در آینده بر فرزند بیشتر خواهد شد. از مجموع این آموزه ها چنین برمی آید که هفت سال اول، دوره آزادی، بازی، لطافت و فرمانروایی کودک است و والدین باید با محبت، مدارا و تشویق، بستری مناسب برای شکل گیری شخصیت سالم او فراهم آورند.

۲.۲. هفت سال دوم: خصوصیات و بایستگی ها

در هفت سال دوم، کودک آماده پذیرش مسئولیت می شود و می تواند ارزش های مثبت را از ضد ارزش ها تشخیص دهد. اگر در دوره قبل از بدآموزی ها در امان مانده باشد، با میل بیشتری از والدین اطاعت می کند و در غیر این صورت، تأدیب ضرورت می یابد. والدین باید متناسب با توان کودک، به او مسئولیت واگذار کنند. نخستین بایستگی، تعلیم آداب اسلامی است. امام علی علیه السلام می فرماید کودک تا هفت سال آزاد است و هفت سال بعد تحت تربیت قرار گیرد (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۲۳). این مهم ترین دوره آموزشی است، زیرا سرعت یادگیری فوق العاده بالاست و آدابی که در این دوران نهادینه شود، تا بزرگسالی ماندگار می ماند.

دومین بایستگی، آموزش خواندن و نوشتن است. امام صادق علیه السلام می فرماید بچه ها هفت سال بازی کنند و هفت سال کتاب الهی را بیاموزند (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱، ص ۴۷۵). این دوران طلایی را نباید از دست داد، چراکه آرامش این سال ها، آرامش پیش از طوفان بلوغ



است. خانه و مدرسه در این دوره مکمل یکدیگرند و همکاری والدین با معلمان، از بروز بسیاری از مشکلات رفتاری در نوجوانی پیشگیری می‌کند.

سومین بایستگی، اطاعت‌پذیری کودک است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید فرزند هفت سال آقاست و هفت سال خدمتکار (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۲۲). والدین با برقراری رابطه محبت‌آمیز و جلب اعتماد کودک، او را برای اطاعت در نوجوانی آماده می‌سازند. از مجموع این آموزه‌ها چنین برمی‌آید که هفت سال دوم، دوره آموزش، نظم و اطاعت‌پذیری است و والدین با جدیت و هماهنگی با مدرسه، باید زمینه را برای شکل‌گیری شخصیتی متعهد و مسئول فراهم آورند.

۲.۳. هفت سال سوم: خصوصیات و بایستگی‌ها

هفت سال سوم، دوران بلوغ و جوانی است. نوجوان در این مرحله، زودرنج، حساس و خواهان استقلال است. او از همسالان خود الگو می‌پذیرد و می‌خواهد در جمع مطرح شود. والدین باید با مهربانی و تدبیر، در کنار او باشند و او را به چشم یک بزرگسال ببینند.

نخستین بایستگی، مشورت با نوجوان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید فرزند هفت سال آقاست، هفت سال خدمتکار و هفت سال وزیر است (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۲۲). مشورت با نوجوان، شخصیت او را تقویت می‌کند و به او می‌آموزد چگونه بیندیشد و تصمیم بگیرد. والدین مستبد که نظرات خود را تحمیل می‌کنند، مانع رشد فکری فرزند می‌شوند.

دومین بایستگی، آموزش حلال و حرام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید بچه‌ها هفت سال بازی کنند، هفت سال کتاب بیاموزند و هفت سال حلال و حرام را تعلیم ببینند (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱، ص ۴۷۵). فراگیری احکام دین، تضمین‌کننده سعادت انسان است و والدین نقش اساسی در این آموزش دارند. در روایت است که خداوند در قیامت می‌پرسد چرا به تکلیف عمل نکردی؟ و اگر جواب دهد نمی‌دانستم، می‌فرماید چرا یاد نگرفتی؟ (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۹).

سومین بایستگی، رفاقت با فرزند است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید بگذار پسر هفت سال بازی کند، هفت سال تأدیب شود و هفت سال با خودت همراهش کن (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱، ص ۴۷۵). رابطه صمیمی، مبتنی بر محبت و اعتماد، خانه را به پناهگاهی



امن تبدیل می‌کند و فرزندان رازهایشان را با والدین در میان می‌گذارند. والدین باید با فرزندان گفت‌وگو کنند، به رأی آنان بها دهند و با طرز فکر نسل جدید آشنا شوند. از مجموع این آموزه‌ها چنین برمی‌آید که هفت سال سوم، دوره مشورت، آموزش احکام و رفاقت است و والدین با پذیرش نقش مشاوره دلسوز، نوجوان را برای زندگی مستقل آماده می‌سازند.

۳. ابعاد توانمندسازی والدین

توانمندسازی والدین به معنای تغییر نگرش، برخورد و رفتار آنان در مواجهه با فرزندان است. این تغییرها بستری مناسب برای بهبود وضعیت خانواده‌ها فراهم می‌آورد. بر اساس آموزه‌های دینی، ابعاد گوناگونی برای این توانمندسازی می‌توان برشمرد که در ادامه به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

۳.۱. توجه به سلامت عاطفی و روانی فرزند

شاید عمیق‌ترین و تأثیرگذارترین بعد توانمندسازی والدین، توجه به سلامت عاطفی فرزند باشد، چراکه همه ابعاد دیگر بر این بنا استوار می‌شوند. امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، با بیانی که تمامی مرزهای مادی را در می‌نوردد، می‌فرماید که فرزند را پاره تن خود و بلکه همه وجود خود می‌دانند، به گونه‌ای که اگر آسیبی به فرزند برسد، گویی به خود ایشان رسیده است و اگر مرگ فرزند فرا رسد، گویی مرگ خود ایشان را در رسیده است. این نگاه، مراقبت از سلامت روانی و عاطفی فرزند را از یک وظیفه اخلاقی فراتر می‌برد و به یک وظیفه وجودی تبدیل می‌کند. امام سجاده علیه السلام نیز در دعای ۶۴ صحیفه سجادیه، با زبانی سرشار از عاطفه، برای فرزندان خود دعا می‌کنند: خدایا عمرشان را به سود من طولانی کن، خردسالشان را برای من تربیت کن، ناتوانشان را برای من نیرومند ساز، بدن‌ها، دین‌ها و اخلاقتشان را برای من به سلامت دار و به آنان در جان و اعضا سلامت همه‌جانبه عنایت کن. از این دعای پر معنا چنین برمی‌آید که سلامت عاطفی فرزند، نه یک موضوع فردی، بلکه به سعادت کل خانواده گره خورده است. والدین آگاه می‌دانند که فرزند را نه یک امانت، بلکه بخشی از وجود خود می‌بینند و در نتیجه، مراقبت از سلامت روانی او را در اولویت نخست زندگی خود قرار می‌دهند. دعا برای فرزندان، در این نگاه، نه یک کار مستحب که گاهی انجام



می‌شود و گاهی ترک، بلکه بخشی اساسی از راهبرد توانمندسازی والدین است که هم به والدین آرامش می‌بخشد و هم فرزندان را در پناه الطاف الهی قرار می‌دهد.

۳.۲. توجه به توان شناختی و جسمانی فرزند

خانواده محیط اصلی تربیت و والدین مربیان واقعی فرزند محسوب می‌شوند. رفتار اخلاقی والدین و تأمین زندگی عاری از اضطراب، فرزند را به تقوا و درستکاری سوق می‌دهد و در مقابل، بی‌توجهی و سهل‌انگاری، او را به سردرگمی و عصیان می‌کشاند. قرآن کریم به این حقیقت اشاره می‌کند که خداوند انسان را از ضعف آفرید، سپس پس از ضعف به او نیرو بخشید و بار دیگر پس از قدرت، ضعف و پیری را برای او مقدر کرد (روم، ۵۴). این چرخه طبیعی نشان می‌دهد که دوران کودکی همراه با ضعف و ناتوانی است و دوران نوجوانی اوج قدرت جسمانی به شمار می‌رود. والدین باید متناسب با این تغییرات، انتظارات خود را از فرزند تنظیم کنند. امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه، دل نوجوان را به زمین خالی و آماده کشت تشبیه می‌کند که هر بذری در آن پاشیده شود، می‌پذیرد. از همین رو، ایشان در تأدیب فرزند شتاب می‌کنند، پیش از آنکه دل سخت شود و عقل به چیز دیگری مشغول گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز می‌فرمایند کسی که در نوجوانی و جوانی علم بیاموزد، آموخته‌اش مانند نقشی بر سنگ، در جان او ماندگار می‌شود (راوندی، ۱۴۱۸ق، ص ۷۰).



۳.۳. توجه به سلامت جسمی و تغذیه فرزند

تأمین سلامت جسمی و تغذیه مناسب، از جمله مسائلی است که در روایات بدان توجه ویژه شده است. امام علی علیه السلام در توصیه‌ای به فرزندشان، چهار نکته کلیدی را برای بی‌نیازی از طب یادآور شده‌اند: غذا نخوردن تا هنگام گرسنگی، دست کشیدن از غذا پیش از سیری کامل، خوب جویدن غذا و قضای حاجت پیش از خواب (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴، ص ۲۴۴). این توصیه‌ها نشان می‌دهد که پیشگیری از بیماری‌ها و رعایت اصول بهداشتی، بخشی از مسئولیت والدین در تربیت فرزند است.

تغذیه سالم تنها به جنبه جسمانی محدود نمی‌شود، بلکه در آرامش روانی، خلق و خو و حتی رفتار فرزند تأثیر مستقیم دارد. خانواده‌هایی که در آنها بر سر غذا خوردن دعوا و اجبار

وجود دارد یا مادر به دلیل اشتغال، وعده‌های غذایی را با عجله و بی‌حوصلگی سپری می‌کند، زمینه‌ساز اختلالات تغذیه‌ای و رفتاری در کودک می‌شوند. از این رو، والدین باید برنامه غذایی منظم و آرامی داشته باشند و خود الگوی مناسبی برای فرزندان باشند.

۴.۳. توجه به هویت شغلی و اقتصادی فرزند

یکی از حقوق مهم فرزند بر پدر که متأسفانه در بسیاری از خانواده‌های امروزی نادیده گرفته می‌شود، زمینه‌سازی برای اشتغال به شغلی مناسب و شایسته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی گهربار، سه حق اساسی را برای فرزند برمی‌شمرد: نام نیکو، ادب نیکو و گماشتن بر شغل شایسته (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۷۲). این سخن نشان می‌دهد که انتخاب شغل، نه امری که به آینده و به خود فرزند واگذار شود، بلکه حقی است که بر عهده پدر نهاده شده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به کسی که از شغل مناسب برای فرزندش پرسید، با دقتی شگفت، پنج شغل را یادآور می‌شود که باید از آنها پرهیز کرد و هر شغل دیگری که خواست، فرزند را به آن بگمارد (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۵، ص ۱۱۴). در جایی دیگر، ایشان به پدری که می‌خواست سرمایه فرزندش را برای تجارت در اختیار فردی شرابخوار قرار دهد، می‌فرماید مگر نشنیده‌ای که او شرابخوار است؟ و وقتی فرزند می‌گوید مردم چنین می‌گویند، امام می‌فرماید خداوند در قرآن فرموده است که سخن مؤمنان را بپذیرید (همان، ج ۵، ص ۲۹۹). از سوی دیگر، اسلام نفقه فرزند را بر عهده پدر نهاده است (همان، ج ۴، ص ۱۳) و کسی که صاحب نعمتی است باید بر هزینه خانواده خود وسعت بخشد (همان، ج ۴، ص ۱۱). از مجموع این روایات چند نکته اساسی به دست می‌آید: نخست آنکه انتخاب شغل نباید به زمان بزرگسالی موکول شود، بلکه از کودکی باید زمینه‌سازی کرد. دوم آنکه شغل فرزند باید با ارزش‌های دینی و اخلاقی هماهنگ باشد، نه صرفاً مادی‌گرا. سوم آنکه والدین موظفند در انتخاب شغل، تنها به سود و زیان مادی نیندیشند، بلکه تأثیر شغل بر اخلاق و دینداری فرزند را نیز بسنجند. چهارم آنکه پدر باید در تصمیم‌گیری برای شغل فرزند، هوشیار باشد و از سپردن سرمایه و آینده فرزند به دست افراد ناباب بپرهیزد. پنجم آنکه نفقه فرزند بر عهده پدر است و پدر نباید با وصیتی نادرست، فرزندان خود را از ارث محروم یا نیازمند دیگران سازد. در مجموع، خانواده‌ای که از همین کودکی به فکر آینده شغلی فرزند باشد، استعداد و علاقه او را محور قرار دهد و او را به شغلی که خود



می‌پسندد مجبور نکند، هم به استقلال مالی او کمک کرده و هم شخصیت او را از تحقیر نیازمندی به دیگران مصون می‌دارد. شغلی که با ارزش‌های دینی هماهنگ باشد، نه تنها منبع درآمد، بلکه زمینه‌ساز عزت و کرامت فرزند در جامعه خواهد بود.

۳.۵. توجه به هویت جنسی و مرزگذاری

قرآن کریم به صراحت بر لزوم مراعات حریم خصوصی میان والدین و فرزندان تأکید دارد. بر این اساس، فرزندان پیش از بلوغ باید در سه وقت خاص (پیش از نماز صبح، هنگام نیمروز و پس از نماز عشا) برای ورود به اتاق والدین اجازه بگیرند و پس از بلوغ نیز مانند سایر بزرگسالان موظف به اجازه گرفتن هستند (نور، ۵۸ و ۵۹).

حرمت نگاه به عورت فرزند و والدین (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶، ص ۵۰۳)، مرزگذاری بین محرم و نامحرم (نساء، ۲۵)، جداسازی بستر فرزندان از یکدیگر (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۳۶) و نیز جداسازی بستر پسران از زنان (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶، ص ۴۷)، همگی از جمله آموزه‌هایی هستند که اسلام برای مدیریت صحیح غریزه جنسی کودکان و نوجوانان ارائه داده است. محیط خانواده باید از هر آنچه زمینه تحریک زود هنگام این غریزه را فراهم می‌کند، پاک باشد. پدر و مادر موظفند خود مراعات حیا را در پوشش، کلام و رفتار بکنند، از خواباندن کودکان شش سال به بالا در رختخواب خود بپرهیزند و مناسبات زناشویی را به شدت از دید و حضور کودکان دور نگه دارند، زیرا غفلت از این موارد، زمینه‌ساز انحرافات جنسی در نوجوانی و جوانی خواهد بود. در کنار این مراقبت‌ها، زمینه‌سازی برای ازدواج فرزند به هنگام بلوغ (فتال، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۳۶۹) نیز از حقوق مسلم فرزند بر پدر به شمار می‌رود. والدین نباید با سهل‌انگاری در این امر، فرزند خود را در معرض فشارهای روانی و انحرافات قرار دهند؛ بلکه تأمین همسر، حقی شرعی است که باید به موقع به آن توجه شود.

۳.۶. توجه به هویت دینی فرزند

شکل‌دهی هویت دینی، یکی از بنیادی‌ترین ابعاد توانمندسازی والدین است که آموزه‌های اسلامی برای آن برنامه‌ای جامع و گام‌به‌گام ارائه داده‌اند. قرآن کریم نخستین گام را نهی از شرک معرفی می‌کند؛ آنجا که لقمان حکیم به فرزندش سفارش می‌کند هرگز



چیزی را همتای خدا قرار ندهد، زیرا شرک ظلمی بزرگ است (لقمان، ۱۳). پس از این پایه‌گذاری توحیدی، نوبت به تقوا و جدیت در عبادت می‌رسد. امام کاظم علیه السلام به یکی از فرزندان خود گوشزد می‌کند که مبادا خداوند او را در حال گناه ببیند و مبادا در عبادت‌های الهی غافل و غایب گردد (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۰۸). این دو اصل (دوری از شرک و پایداری در عبادت) زمانی معنا می‌یابند که با دانش دینی همراه شوند. امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه تأکید می‌فرمایند که آموزش قرآن، تفسیر و احکام حلال و حرام باید نخستین اولویت تربیتی باشد و امام صادق علیه السلام نیز در تقسیم‌بندی معروف خود، هفت سال سوم زندگی را به تعلیم حلال و حرام اختصاص می‌دهند (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱، ص ۴۷۵). اما آگاهی دینی بدون رعایت اعتدال می‌تواند به افراطی‌گری بینجامد. از همین رو، امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در نوجوانی بسیار به عبادت مشغول بود، اما پدرش او را از این شدت عمل بازداشت و فرمود که خداوند به عبادت اندک بنده محبوب خود نیز خشنود می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۸۷). اعتدال در عبادت، هرگز به معنای کم‌توجهی به آموزش معارف دینی نیست. امام علی علیه السلام سفارش می‌کند که کودکان را با آموزه‌های سودمند دینی آشنا سازید تا فرقه‌های انحرافی نتوانند بر افکار آنان چیره شوند (صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۶۱۴) و امام صادق علیه السلام به طور خاص به آموزش اشعار دینی به فرزندان توصیه می‌فرماید، چراکه شعر دینی می‌تواند معارف عمیق را به زبانی لطیف و تأثیرگذار به دل کودک بنشانند (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۷۰۴). در نهایت، همه این تلاش‌ها باید با دعا همراه باشد؛ چراکه هدایت حقیقی تنها به دست خداست. امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه دین و دنیای فرزند را به خدا می‌سپارد و از او بهترین سرنوشت را خواستار است و امام سجاده علیه السلام در دعای ۶۴ صحیفه سجاده از خداوند یاری می‌طلبد تا او را در تربیت و ادب‌آموزی فرزندان مدد فرماید. از این مجموعه آموزه‌ها چنین برمی‌آید که تربیت دینی فرآیندی است از نهی شرک تا آموزش احکام و از عبادت با اعتدال تا دعای خیر. خانواده‌ای که این مسیر را با آگاهی ببیماید، نوجوان خود را در سنین بلوغ که تشنه هویت عقیدتی است، تنها نخواهد گذاشت و با روش الگویی، ایجاد عادت‌های دینی و پرهیز از خشونت و اجبار، او را به سوی ایمانی قلبی و پایدار رهنمون می‌شود.



مجلس شورای اسلامی

۳.۷. توجه به هویت اخلاقی فرزند

پرورش فضایل اخلاقی و پالایش رذایل، از دیرباز یکی از دغدغه‌های اصلی تربیت بوده است. قرآن کریم در ادامه سفارش‌های لقمان به فرزندش، به روشنی مرزهای اخلاقی را ترسیم می‌کند: از تکبر و راه رفتن با غرور بر حذر می‌دارد و به میانه‌روی در راه رفتن و کاهش صدا فرمان می‌دهد (لقمان، ۱۸-۱۹). امام علی علیه السلام در حکمت ۳۸ نهج البلاغه، چهار محور اساسی را برای سعادت اخلاقی معرفی می‌فرماید: عقل را غنی‌ترین بی‌نیازی، بی‌خردی را بزرگترین فقر، خودپسندی را ترسناک‌ترین تنهایی و خوش‌اخلاقی را گرامی‌ترین ارزش خانوادگی می‌شمارد. در کنار این فضایل، پرهیز از رذایلی چون خنده و شوخی بی‌جا نیز مورد تأکید است. در منابع روایی، خنده زیاد موجب خواری در قیامت (ری شهری، ۱۳۸۸، ص ۶۹) و شوخی بسیار، زداینده نور ایمان و بی‌اعتبارکننده مردانگی معرفی شده است (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۰۸). لقمان حکیم در نصیحت به فرزندش، خموشی را از طلا دانسته و به او می‌گوید اگر سخن از نقره است، سکوت از طلاست (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۱۴). از این آموزه‌ها چنین برمی‌آید که آموزش اخلاقی نباید تنها به فضایل محدود شود، بلکه آگاهی از رذایل و تنفر از آنها نیز ضروری است. این آموزش‌ها باید متناسب با درک کودک و با استدلال همراه باشد، نه صرفاً امر و نهی خشک. خانواده‌هایی که تنها به موفقیت تحصیلی فرزند می‌اندیشند و تربیت اخلاقی را نادیده می‌گیرند، در واقع از اساسی‌ترین وظیفه خود غفلت می‌کنند. پدر و مادر خود باید عامل به خیر باشند تا بتوانند با امر به معروف و نهی از منکر، خانواده را از آتش حفظ کنند. اخلاق نیکو، همچون سرمایه‌ای گرانبها، نه تنها روابط درون خانواده را استوار می‌سازد، بلکه فرزند را برای حضور سالم در جامعه آماده می‌کند.

۳.۸. توجه به هویت اجتماعی فرزند

انسان موجودی اجتماعی است و هویت او در گرو مهارت‌های ارتباطی و توانایی انتخاب دوستان سالم شکل می‌گیرد. آموزه‌های دینی برای این بعد از تربیت، برنامه‌ای دقیق و گام‌به‌گام ارائه داده‌اند. لقمان حکیم در سفارش به فرزندش، او را به پیشدستی در سلام و مصافحه پیش از سخن گفتن توصیه می‌کند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۳۸) و نیز می‌گوید با بزرگ مشورت کن و از مشورت با کوچک شرمنده مباش (همان). این دو اصل، یعنی ابتکار در ایجاد ارتباط مثبت



و مشورت‌پذیری، پایه‌های مهارت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در کنار این مهارت‌ها، آگاهی از آسیب‌های دوستی‌های ناباب نیز ضروری است. امام سجاده علیه السلام به یکی از فرزندان‌شان هشدار می‌دهد که با پنج گروه دوستی نکنند: دروغگو، فاسق، بخیل، احمق و کسی که از خویشاوندان می‌برد. ایشان برای هر کدام دلیلی روشن بیان می‌کنند: دروغگو سراب را به جای حقیقت جلوه می‌دهد، فاسد تو را به کمترین بهائی می‌فروشد، بخیل در زمان نیاز تو را تنها می‌گذارد، احمق می‌خواهد به تو سود برساند اما به زیانت می‌انجامد، و قاطع رحم در قرآن مورد لعن قرار گرفته است (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۶۴۱). برای دوستی مثبت نیز شرایطی پنج‌گانه برمی‌شمارند: یکسانی درون و بیرون، همدلی در زیبایی و زشتی، تغییرناپذیری با ثروت و مقام، دریغ نکردن آنچه در توان دارد، و رها نکردن در سختی‌ها (صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۱، ص ۲۷۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز با بیانی کوتاه اما ژرف، معیار نهایی را چنین ترسیم می‌فرماید که هر کس بر آیین دوست و همنشین خود است (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۶۴۲). از مجموع این آموزه‌ها چنین برمی‌آید که والدین در شکل‌گیری دوستی‌های فرزند نقشی بی‌بدیل دارند. انتخاب محل زندگی، مدرسه، و حتی مجالست‌های خود والدین، همگی در تعیین دوستان فرزند تأثیر می‌گذارد. والدین آگاه، نه با تحکم و دستور خشک، بلکه با مشفقانه و محبت، روش‌های انتخاب دوست را به فرزند می‌آموزند و او را از دوستان ناباب برحذر می‌دارند.

۵. راهبردهای عملی تعامل والدین با فرزندان

پس از آشنایی با ابعاد گوناگون توانمندسازی، اکنون نوبت به راهبردهای عملی می‌رسد که والدین با به کارگیری آنها می‌توانند تعامل خود با فرزندان را بهبود بخشند. این راهبردها، برگرفته از سیره معصومان علیهم السلام، به والدین کمک می‌کند تا از تئوری به عمل گام بردارند.

۱. ۵. رابطه عاطفی و محبت با رعایت حد اعتدال

محبت و عطف، الفت و صمیمیت و مهر و محبت، روح و حقیقت حیات خانوادگی و اساس همه کمالات و فضایل اخلاقی است. هیچ عاملی به اندازه محبت در نرم کردن دلها و ایجاد جو صمیمی و آمیخته با تفاهم مؤثر نیست و ما نباید از آثار معجزه‌آسای آن در تربیت فرزندان خود غافل شویم.



از نشانه‌های رابطه صمیمانه این است که ما از اینکه کوچکترین عوامل در طرف مقابل سوءتفاهمی به وجود آورد، ترسی در دل نداریم و به همین علت آزادانه و با خیال راحت می‌توانیم با او ارتباط برقرار کنیم. در روابط غیر صمیمانه، شخص ناگزیر است پیوسته مراقب رفتار و گفتار خود باشد تا مبدا موجب سوءتفاهم یا رنجش طرف مقابل شود.

اگر والدین بخواهند که فرزندان آنها در کنارشان باقی بمانند و مسائل ساده باعث قطع ارتباط روحی فرزندان با آنها نشود، باید بتوانند رابطه صمیمانه‌ای با فرزندان خود داشته باشند.

محبت به فرزندان، به هیچ وجه نباید تنها در دل پدر و مادر خلاصه شود، بلکه باید به صورت علنی و فیزیکی ابراز گردد. رسول خدا ﷺ نه تنها نوه‌های خود را می‌بوسیدند، بلکه وقتی شخصی به ایشان گفت من ده فرزند دارم و هیچ‌یک را نبوسیده‌ام، با تعبیری تکان‌دهنده فرمودند این بی‌محبتی ربطی به من ندارد که خداوند ریشه محبت را از قلب تو کنده است (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۲۰). در روایت دیگری، مزد بوسیدن فرزند، ثبت حسنه در نامه اعمال والدین معرفی شده است (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶، ص ۴۹). امام صادق علیه السلام می‌فرماید که خداوند به انسان به خاطر محبت شدیدش به فرزند، رحمت می‌فرستد (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶، ص ۵۰). با این حال، محبت بی‌حد و مرز نیز به همان اندازه بی‌محبتی خطرناک است. رسول خدا ﷺ در روایتی به ابن مسعود هشدار می‌دهد که مبدا مهرورزی به همسر و فرزندان شما را به ورطه گناه و حرام بکشاند (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۴۵۷). از مجموع این آموزه‌ها چنین برمی‌آید که محبت به فرزند، نه یک امر مستحب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که خداوند حتی برای آن پاداش می‌نویسد. اما این محبت باید هم علنی و عملی باشد (بوسیدن، در آغوش گرفتن، بازی کردن) و هم گفتاری (به کار بردن واژگان محبت‌آمیز چون «یا بنی»). در عین حال، والدین باید از دو آفت بزرگ بپرهیزند: یکی خشونت و سردی که فرزند را فراری می‌دهد، دیگری افراط و نازپروردگی که فرزند را متوقع بی‌اراده بار می‌آورد. حد متعادل مهرورزی، همان است که فرزند هم احساس امنیت عاطفی کند و هم برای استقلال شخصیت خود آماده شود. بنابراین، راهبرد عاطفی موفق، محبتی است که هم در دل باشد و هم در عمل، هم گفتاری باشد و هم رفتاری، هم کودک را سیراب کند و هم او را لوس و وابسته نسازد.



۲. ۵. عدالت محوری در رفتار و توجه

یکی از آسیب‌های رایج در خانواده‌های پرجمعیت، تبعیض میان فرزندان است. این تبعیض، چه در محبت فیزیکی، چه در هدیه دادن و چه در میزان توجه، می‌تواند زخم‌هایی عمیق بر روح فرزندان وارد آورد. رسول خدا ﷺ در صحنه‌ای عبرت‌آموز، پدری را دید که یکی از دو فرزند خود را بوسید و به دیگری اعتنا نکرد. حضرت با ناراحتی به او فرمود چرا میان آنان مساوات رعایت نمی‌کنی؟ (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۲۰). در روایت دیگری می‌فرمایند بین فرزندان خود عدالت کنید، همانگونه که دوست دارید در نیکی و محبت با شما عدالت کنند (همان). این عدالت تنها به بوسیدن و نوازش محدود نمی‌شود، بلکه در هدیه دادن نیز باید رعایت گردد (مجلسی، ۱۴۰۲ ق، ج ۱۰۴، ص ۹۳). از این سخنان چنین برمی‌آید که عدالت میان فرزندان، نه یک توصیه اخلاقی ساده، بلکه حقی است که بر عهده والدین نهاده شده است. فرزندان نسبت به کوچک‌ترین تبعیض حساس و دقیق هستند و تحمل آن برای آنان بسیار دشوار است. بسیاری از اختلالات رفتاری در کودکان و نوجوانان، از سرکشی و اضطراب گرفته تا افسردگی و کاهش موفقیت تحصیلی، ریشه در احساس تبعیض دارد. والدین باید بکوشند نه تنها از نظر تشویق و تنبیه، بلکه حتی از نظر میزان توجه نیز با فرزندان خود به طور عادلانه رفتار کنند. اگر به دلیلی یکی از فرزندان را بیشتر دوست دارند، این علاقه را نباید نزد آنان آشکار سازند. تبعیض میان دختر و پسر نیز به همان اندازه آسیب‌زا است. ابراز ناخشنودی از تولد دختر، یا جانب‌داری همیشگی از دختر در برابر پسر، ضربه‌های مهلک روانی به فرزندان وارد می‌کند. در خانواده‌ای که عدالت حاکم باشد، فرزندان در امنیت خاطر رشد می‌کنند و روابط برادرانه و خواهرانه آنان از کینه و حسد پاک می‌ماند.

۳. ۵. واگذاری مسئولیت متناسب با سن

نیاز به «ابراز وجود» و نقش‌آفرینی، یکی از نیازهای اصیل نوجوانان است. اگر این نیاز به شکل منطقی و سالم تأمین نشود، به صورت‌های نادرست و گاه انحرافی خود را نشان خواهد داد. آموزه‌های دینی راه حل این نیاز را واگذاری تدریجی مسئولیت به فرزندان می‌داند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام به روشنی مراحل سه‌گانه را ترسیم می‌فرمایند: کودک هفت سال پرورش یابد، هفت سال ادب‌آموزی کند و هفت سال به خدمت درآید (صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۳،



ص ۴۹۳). منظور از «خدمت» در اینجا نه بردگی، بلکه پذیرش مسئولیت‌های متناسب با سن و توان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در تقسیم‌بندی هفت‌ساله خود، هفت سال سوم را «وزارت» نامیده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۲۲). واگذاری مسئولیت به نوجوان، چند پیامد مثبت به همراه دارد: نخست آنکه نیاز او به «توجه به من» را به شکل سالم تأمین می‌کند. دوم آنکه او را برای زندگی مستقل در آینده آماده می‌سازد. سوم آنکه به او می‌آموزد که هر حقی، تکلیفی نیز به دنبال دارد. چهارم آنکه اعتماد به نفس و عزت نفس او را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق، مسئولیت والدین را در برابر فرزندان چنین ترسیم می‌فرماید که تو مسئول سرپرستی او در اموری چون تربیت، راهنمایی به سوی خدا و کمک به طاعت او هستی و در صورت انجام این مسئولیت پاداش می‌بری و در صورت کوتاهی کیفر می‌شوی (حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۶۳). بنابراین، واگذاری مسئولیت به فرزند، به هیچ وجه به معنای رها کردن او نیست. بلکه والدین موظفند با امر به معروف و نهی از منکر، همواره بر او نظارت داشته باشند (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۱۷). در مجموع، خانواده‌ای که از کودکی به فرزند خود مسئولیت‌های کوچک می‌دهد، در نوجوانی او را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی مشارکت می‌دهد و در جوانی او را برای استقلال کامل آماده می‌کند، نسلی مسئولیت‌پذیر، با اعتماد به نفس و آماده برای حضور در جامعه تحویل خواهد داد.



۴. ۵. مراقبت و هدایت؛ کنترل هوشمندانه

مراقبت از فرزندان، مسؤلیتی سنگین و ظریف است که بی‌تدبیر و درایت پدر و مادر، و بی‌همفکری و همدلی آنان، به سرانجام نمی‌رسد. امام صادق علیه السلام در بیانی گهربار، سه نیاز اساسی هر فرد را نسبت به خانواده خود برمی‌شمارد: معاشرتی نیکو، گشاده‌دستی همراه با برنامه‌ریزی، و غیرتی همراه با حفاظت و کنترل (حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۲۲). از این سخن چنین برمی‌آید که مراقبت، در کنار محبت و گشاده‌دستی، یکی از ارکان اصلی خانواده است. قرآن کریم با اشاره به داستان حضرت یوسف علیه السلام، به پدران هشدار می‌دهد که گاهی فرزندان نباید همه چیز را با برادران خود در میان بگذارند؛ چنانکه یعقوب به یوسف گفت خواب خود را برای برادران بازگو مکن که برای تو نقشه می‌کشند (یوسف، ۵). در کنار این، نظارت بر پوشش و آرایش فرزندان نیز از جمله وظایف والدین است (طبرسی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۰۷).

امروزه، گسترش وسایل ارتباطی و فضای مجازی، مراقبت از فرزندان را دشوارتر از همیشه ساخته است. جوان و نوجوان در سن بلوغ، دنیای جدیدی به روی او گشوده می‌شود و به دنبال استقلال از والدین است. در این برهه، نقش حفاظتی والدین بیش از هر زمان دیگری حیاتی می‌شود. امام صادق علیه السلام در برخورد با مفضل بن عمر که با فرزند ایشان رفت‌وآمد داشت و او را منحرف می‌ساخت، با صراحت تمام فرمود تو را به فرزندم چه کار؟ (کشی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۱۲). از مجموع این آموزه‌ها چنین برمی‌آید که مراقبت هوشمندانه، نه به معنای حبس و محدودیت، بلکه به معنای نظارت آگاهانه و مداخله به موقع است. والدینی که از حرکات، رفتار، دوستان و پوشش فرزندان خود غافل شوند، دیر یا زود با پیامدهای ناگوار آن روبه‌رو خواهند شد. در عین حال، این مراقبت باید با محبت و احترام همراه باشد تا فرزند احساس خفت و تحقیر نکند. قرآن کریم با اشاره به تقلید کورکورانه فرزندان از پدران، به والدین هشدار می‌دهد که وظیفه آنان تنها تربیت فرزندان نیست، بلکه باید مراقب باشند فرزندان نشان در مسیر گمراهی قدم نگذارند (لقمان، ۲۱). در روایتی نیز آمده است که فرزندان بر اثر رفتار درست والدین محفوظ می‌مانند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۳۸). این سخن، هم امیدبخش است و هم هشداردهنده: رفتار درست والدین، بهترین حافظ فرزندان است.

۵. ۵. تشویق و تنبیه هدمند به دور از خشونت

تشویق و تنبیه، دو ابزار تربیتی هستند که اگر درست به کار گرفته شوند، نتایج شگرفی به بار می‌آورند و اگر نادرست استفاده شوند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارند. در نظام تربیتی اسلام، تشویق بر تنبیه مقدم است و تنبیه بدنی، آخرین راهکار و نه نخستین گزینه است. امام کاظم علیه السلام در پاسخ به کسی که از فرزند خود شکایت کرد، فرمود او را زن و برای مدتی کوتاه با او قهر کن (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۱۰۱، ص ۹۹). این توصیه نشان می‌دهد که حتی تنبیه عاطفی (قهر) باید محدود و کوتاه باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی می‌فرمایند که در هنگام عصبانیت، کسی را ادب کنید (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۶۰). همچنین به کسی که از خشمگین شدن خانواده خود شکایت داشت، فرمود اگر مجازات می‌کنی، به اندازه خطا مجازات کن و از زدن به صورت پرهیز (پاینده، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۲۶). امیرالمؤمنین علیه السلام با بیانی تکان‌دهنده می‌فرمایند خردمند با ادب پند می‌آموزد و حیوانات با کتک تربیت



می‌شوند (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۴). در مقابل، تشویق و پاداش، جایگاه والایی دارد. نقل شده که فردی از فرزند خود نزد امام کاظم علیه السلام شکایت کرد که خسارت مالی فراوانی به بار آورده است. حضرت به جای همدلی با پدر، فرمود فرزندان را اصلاح کن و طردش مکن؛ این خسارت در برابر نعمت خداوند بر تو که به او فرزند داده، چه ارزشی دارد؟ (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۶، ص ۴۸). از سوی دیگر، تحسین و در آغوش گرفتن فرزندان به خاطر کار نیک، تأثیری عمیق بر روحیه آنان می‌گذارد. نقل شده که ابوحنیفه نزد امام صادق علیه السلام از نماز خواندن امام کاظم علیه السلام در حال عبور مردم از مقابلش انتقاد کرد. امام صادق علیه السلام فرزند خود را فراخواند و پرس و جو کرد. امام کاظم علیه السلام در پاسخ فرمود کسی که برای او نماز می‌خواندم از عبورکنندگان به من نزدیک‌تر بود؛ خداوند می‌فرماید ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم. امام صادق علیه السلام آنچنان از این پاسخ خوشحال شد که فرزند را در آغوش کشید و فرمود پدر و مادرم به فدایت باد ای گنجینه رازها (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۹). از مجموع این آموزه‌ها چند نکته اساسی به دست می‌آید: نخست آنکه تشویق باید متناسب با سن و درک کودک باشد و برای کار برجسته انجام گیرد، نه هر رفتار ساده. دوم آنکه در تنبیه، باید ریشه خطا را کشف کرد و پیش از هر اقدامی، عفو و بخشش را در نظر داشت. سوم آنکه تنبیه بدنی تنها به عنوان آخرین ابزار و با رعایت شرایطی (متناسب با خطا، نه بر صورت، نه هنگام خشم) مجاز است. چهارم آنکه تنبیه هرگز نباید چندجانبه باشد؛ یعنی کودک هم کتک نخورد، هم سرزنش نشود و هم تحقیر نگردد. پنجم آنکه در تنبیه، پدر و مادر نباید هر دو با هم اقدام کنند تا یکی پشتیبان محبت و آشتی باشد. در نهایت، والدین آگاه می‌دانند که هدف از تشویق و تنبیه، اصلاح رفتار است، نه انتقام و فرو نشانیدن خشم.

۶. ۵. تکریم و احترام به شخصیت فرزند

تکریم شخصیت فرزند، از آن دسته اصول تربیتی است که متأسفانه در بسیاری از خانواده‌ها نادیده گرفته می‌شود. گمان می‌رود که فرزند، به دلیل کوچکی و وابستگی، نیاز به احترام ندارد. اما سیره معصومان علیهم السلام، به ویژه رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت فاطمه علیها السلام، تصویری دیگر ارائه می‌دهد. هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام به دیدار پدر می‌آمد، پیامبر برمی‌خاست، دخترش را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۲،

ص ۳۰). این رفتار، تنها به دلیل پیوند پدر و دختری نبود، بلکه نشان‌دهنده اصل مهمی است: فرزند، شایسته احترام و تکریم است، حتی از سوی والدین. در روایتی از پیامبر ﷺ، حق فرزند بر پدر چنین شمارش شده است: اگر پسر است، مادرش را گرامی بدارد (یعنی با مادرش نیکو رفتار کند)؛ اگر دختر است نیز مادرش را گرامی بدارد (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶، ص ۴۹). قرار گرفتن «تکریم مادر» در ردیف حقوق فرزند، پیام عمیقی دارد: پدر با گرامی داشتن مادر فرزند، نه تنها حق همسر را ادا می‌کند، بلکه به فرزند نیز شخصیت می‌بخشد. از مجموع این آموزه‌ها چنین برمی‌آید که تکریم فرزند، محدود به موقعیت‌های خاص نیست؛ بلکه باید در گفتار (به کار بردن الفاظ محترمانه)، رفتار (برخاستن به احترام، گوش دادن به حرف‌هایش) و نگاه (توجه مثبت) جاری باشد. کودکی که مورد احترام والدین قرار می‌گیرد، عزت نفس پیدا می‌کند، به خود اعتماد دارد و در آینده با دیگران با احترام رفتار می‌کند. در مقابل، کودکی که تحقیر می‌شود، یا شخصیتی وابسته و حقیر پیدا می‌کند یا برای جبران تحقیر، به طغیان و عصیان روی می‌آورد. پدر و مادری که شخصیت فرزند را گرامی می‌دارند، به او می‌آموزند که کرامت انسانی، ریشه در شخصیت دارد، نه در سن و ثروت و مقام.

نتیجه‌گیری

تربیت فرزند در نگاه اسلامی فرآیندی مرحله‌مند و چندبعدی است که بر شناخت ظرفیت‌های جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی کودک استوار است. در این رویکرد، تربیت به انتقال صرف دستورها و آگاهی‌ها محدود نمی‌شود، بلکه با درک نیازهای عمیق عاطفی و ذهنی آغاز می‌گردد و با هدایت تدریجی کودک به سوی خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری و استقلال ادامه پیدا می‌کند. الگوی سه دوره هفت‌ساله مطرح‌شده در متون دینی، چارچوبی روشن برای تنظیم رفتار تربیتی والدین فراهم می‌آورد: دوره نخست با محوریت بازی و محبت، دوره دوم با تأکید بر نظم، آموزش و تمرین مسئولیت، و دوره سوم با برجسته شدن نقش رفاقت، مشورت و مشارکت نوجوان در امور خانواده.

توجه هم‌زمان به ابعاد مختلف رشد، شرط اساسی موفقیت تربیتی به شمار می‌آید. سلامت عاطفی و روانی کودک در گرو فضایی آکنده از محبت، احترام، گفت‌وگو و امنیت است؛ فضایی که در آن احساس‌ها جدی گرفته می‌شود، تبعیض و تحقیر جایی ندارد و شیوه



ایراز محبت و نوع واکنش به خطاها سنجیده و متعادل است. رعایت عدالت میان فرزندان، مهار خشم، انتخاب واژگان مناسب در گفت‌وگو، و توجه به زبان بدن، نقش مهمی در شکل‌دهی به رابطه امن و اعتمادآفرین میان والدین و فرزند ایفا می‌کند.

بعد جسمی و تغذیه نیز پایه مهمی برای سایر ابعاد رشد به حساب می‌آید. برنامه غذایی سالم، نظم در خواب و بیداری، فرصت کافی برای بازی و تحرک، و مراقبت از سلامت بدن، زمینه‌ساز آرامش روانی، تمرکز ذهنی و احساس نشاط در کودک است. هم‌زمان، شکل‌گیری هویت جنسی سالم نیازمند رعایت مرزهای روشن در محیط خانواده است؛ از جمله اذن گرفتن برای ورود به حریم خصوصی، توجه به پوشش، تفکیک مناسب فضاها و گفت‌وگوی تدریجی و سنجیده درباره مسائل مرتبط. چنین رویکردی احساس امنیت بدنی و روانی را تقویت کرده و از بسیاری آسیب‌ها پیشگیری می‌کند.

در عرصه روابط روزمره، روش‌هایی مانند محبت متعادل، تشویق هدفمند، اعمال حدود و ممنوعیت‌های روشن و در صورت لزوم، تنبیه منطقی، هنگامی اثرگذار است که با تکریم شخصیت کودک همراه باشد. واگذاری مسئولیت‌های متناسب با سن، مشارکت دادن در تصمیم‌های ساده خانوادگی، مجال تجربه و حتی مواجهه کنترل‌شده با پیامد اشتباه، از مهم‌ترین عوامل رشد احساس کفایت و اعتماد به نفس در کودک به شمار می‌آید.

توانمندسازی والدین از طریق ارتقای دانش تربیتی، اصلاح نگرش‌ها و تقویت مهارت‌های ارتباطی و رفتاری، نقشی اساسی در موفقیت تربیت دارد. والدینی که با اصول تدریجی تربیت آشنا هستند و نیازهای متنوع فرزند را در حوزه‌های جسمی، عاطفی، شناختی، اخلاقی، دینی، اجتماعی و جنسی می‌شناسند، بهتر می‌توانند محیطی آرام، پیش‌بینانه و حمایتگر ایجاد کنند. چنین محیطی بستر شکل‌گیری نسلی متعادل، اخلاق‌مدار، مسئولیت‌پذیر و توانمند را فراهم می‌سازد؛ نسلی که آمادگی حضور مؤثر در جامعه و ایفای نقش‌های آینده را خواهد داشت.



منابع و مأخذ

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
- * صحیفه سجادیه.

کتب

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد. (۱۳۶۷ش). النهاية فی غریب الحدیث و الأثر. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). (۱۴۰۴ق). من لا یحضره الفقیه (چاپ دوم). مصحح و مقدمه نویس: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم (تصحیح مهدی رجایی؛ احادیث از امام علی علیه السلام). (چاپ دوم). قم: دار الکتاب الإسلامی. (۱ جلد).
۵. پاینده، ابوالقاسم (مترجم و گردآورنده). (۱۳۸۲ش). نهج الفصاحه (چاپ چهارم). تهران: دنیای دانش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (چاپ سوم). محقق: محمدرضا حسینی جلالی. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۷. حرانی، حسن بن علی بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول. محقق/مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
۸. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی. (۱۴۱۸ق). النوادر (چاپ اول). مترجم و محقق: احمد صادقی اردستانی. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
۹. شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الاخبار. نجف: المطبعة الحیدریة.
۱۰. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی. (۱۳۶۲ق). الخصال. بی جا: انتشارات کتابخانه اسلامیة.
۱۱. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰ش). مکارم الأخلاق (چاپ چهارم). قم: الشریف الرضی.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی. تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة.



۱۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵ش). روضة الواعظین (چاپ دوم). مقدمه نویس: محمد مهدی خراسان. قم: الشریف الرضی.
۱۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی (چاپ دوم). مصحح: حسین اعلمی. تهران: مکتبه الصدر.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). الکافی (چاپ پنجم). مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۶. کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال الکشی) (چاپ اول). خلاصه کننده: محمد بن حسن طوسی. مصحح: محمد باقر بن محمد میر داماد. محقق: مهدی رجایی. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۸ش). میزان الحکمة. قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
۱۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۲ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۹. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الاختصاص. محقق/مصحح: علی اکبر غفاری و محرمی زرنندی. قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۲۰. نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۸ق). مستدرک سفینه البحار (چاپ اول). زیر نظر: حسن بن علی نمازی شاهرودی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

پایان نامه‌ها

۲۱. ساطوریان، سیدعباس. (۱۳۹۹ش). طراحی مدل مفهومی والدگری مبتنی بر منابع اسلامی (پایان نامه دکتری روانشناسی عمومی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

وبگاه‌ها

۲۲. وبگاه واژه یاب: vajehyab.com.

